

تأثیر مراتب دینداری بر کاهش انحرافات اجتماعی در آموزه‌های قرآن

محمدباقر آخوندی*

چکیده

به تصریح بسیاری از آیات قرآن و یافته‌های جامعه‌شناسی، دینداری در برابر انحرافات اجتماعی مصونیت ایجاد می‌کند و زمینه کاهش آنها را فراهم می‌آورد؛ اما پرسش این است که با این ویژگی دینداری، چرا بخشی از دینداران، اهل کج‌رفتاری نیز هستند؟ چرا بعضی مواقع دینداری نه تنها مصونیت ایجاد نمی‌کند که به گسترش انحرافات و مسائل اجتماعی با اشکالی جدید می‌انجامد؟ بنابراین، هدف، تبیین این مسئله با مراجعه به آیات قرآن و تفاسیر است. این هدف با اتخاذ رویکردی تفسیری و پدیدارشناسانه و استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، میسر شده است. نتایج نشان می‌دهد راز مسئله تحقیق در سیالیت و مدرج‌بودن دینداری نهفته است. از آنجا که دینداری با نگاهی تقلیل‌گرایانه، دارای هفت مرتبه قابل سنجش تجربی است، در اولین مراتب به دلیل ضعف و سستی ایمان، احتمال بروز انحراف اجتماعی بسیار است و با عبور از مراتب اولیه و حرکت به مراتب بالاتر، دینداری تقویت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، آسیب‌های اجتماعی، مراتب دینداری، دینداری، مصونیت‌بخشی.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند (akhondi@birjand.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۶

مقدمه

نتایج تحقیقات تجربی که در آیات قرآن نیز تأیید شده، نشان می‌دهد هرچه پای‌بندی به دین افزایش یابد، ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس با کاهش پای‌بندی به دین، انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، هرگاه باورها و اعتقادات دینی تقویت شود، جرم و جنایت کاهش می‌یابد و هرگاه رو به ضعف رود، آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۵۸). آیه ۴۵ سوره عنکبوت^۱ نیز با صراحت بر همین نتایج صحه می‌گذارد و نماز را عامل برچیده‌شدن انحراف و کج‌رفتاری اجتماعی می‌داند. با فرض این نتیجه، مسئله این است که: چرا دینداری، گاه جلوی انحرافات و کج‌رفتاری‌های اجتماعی را سد نمی‌کند و گاه به گسترش یا ظهور اشکال جدیدی از آن می‌انجامد؟

در توضیح بیشتر پرسش مزبور یادآوری گوشه‌ای از آنچه در جامعه دینداران، به‌ویژه در محیط‌های سنتی‌تر، می‌گذرد، راه‌گشا است. گاهی بخشی از دینداران را اهل گناه و معصیت می‌بینیم؛ نماز می‌خوانند اما اهل کم‌فروشی و گران‌فروشی نیز هستند؛ روزه می‌گیرند ولی دروغ نیز می‌گویند، غیبت می‌کنند و به دیگران تهمت می‌زنند؛ اهل تبلیغ و ترویج دین‌اند ولی خود به آنچه می‌گویند، عمل نکرده یا کم عمل می‌کنند؛ در مجالس عزاداری با ولع خاصی مشارکت می‌کنند و بر سر و سینه می‌زنند ولی در خصوص واجبات و محرمات دین سهل‌انگارند و به دیگران ظلم روا می‌دارند؛ قرآن قرائت می‌کنند ولی گاه برخلاف آیاتی که قرائت کرده‌اند، عمل می‌کنند؛ به منظور زیارت قبور بزرگان دین رنج سفر را تحمل می‌کنند و هزینه‌های بسیاری می‌پردازند ولی به خویشان، همسایگان و هم‌وطنان نیازمند خویش بی‌توجه‌اند؛ در روابط اجتماعی «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) را فراموش می‌کنند و در مقابل آنچه انجام می‌دهند منتظر سودند؛ از لحاظ شهرت به دینداری، مسئولیت می‌پذیرند ولی به زمان، کیفیت و کمیت حضور در مسئولیت پذیرفته‌شده حساسیت ندارند؛ دائماً از هدررفتن بیت‌المال سخن می‌گویند اما خود از هدردادن آنچه از اموال عمومی در اختیار دارند، ابا نمی‌کنند؛ اهل رفت و آمد به مسجدند اما

۱. «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵).

از کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا بدشان نمی‌آید و به حق خود راضی نیستند؛ خود را متدین می‌پندارند اما به عهد و پیمان خویش وفا نمی‌کنند و

هرچند مسئله این تحقیق (با شرح فوق)، مطالعه‌ای پدیدارشناسانه و بر پایه ظواهر رفتار و تعاملات اجتماعی متدینان است، شاید از طریق مراجعه به آرای متدینان و حتی صاحب‌نظران تبیین‌پذیر باشد، اما تبیین نظری مسئله مزبور با مراجعه به آیات قرآن مجید، هدف این مقاله است.

چارچوب مفهومی

تبیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی با تنوع در رویکردها، آشکارا تفاوت یافته و هر جامعه‌شناسی، مبتنی بر رویکرد نظری خویش به علت‌یابی^۱ آن پرداخته است. شاید علل تبیین‌کننده کج‌رفتاری‌های اجتماعی را بتوان در دسته‌بندی ذیل خلاصه کرد.

ضعف نظارت اجتماعی

شواهد حاکی از آن است که در سه رکن جامعه امروزی، یعنی خانواده، وضعیت شغلی و اجتماعات محلی، تغییراتی به وجود آمده که تجلی آن مستقیماً در کنش‌های اجتماعی شهروندان نمایان است (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۱۷). مثلاً خانواده، که نقش مهمی در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان داشته و دارد و زمینه خودشناسی و هویت‌یابی افراد را فراهم می‌آورد و در رشد و شکوفایی استعدادها به آنها کمک می‌کند، دچار تغییر در کارکردهای اساسی شده است. اعضای خانواده امروزی مدت‌های طولانی خارج از خانواده به سر می‌برند و گاه

۱. باید توجه داشت علت در علوم رفتاری، با علت در علوم تجربی تفاوت بنیادین دارد؛ علت در علوم رفتاری هیچ‌گاه با قطعیت همراه نیست و فقط وجود تقارن هم‌زمان، مستمر، منظم و اطمینان‌آور این دو پدیده (که از آن به وجود همبستگی یاد می‌شود) مد نظر است. به طور کلی، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای علت در علوم رفتاری قائل شد: هر پدیده، علت یا مجموعه‌ای از علل ویژه خود را دارد، گرچه احتمالاً علل مشترکی نیز وجود داشته باشد؛ علل زمینه‌ساز در طول زمان و بر حسب دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی تفاوت‌هایی گاه کلی می‌یابند؛ اوضاع و احوال زمینه‌ساز، بر حسب بافت فرهنگی جوامع مختلف نیز تفاوت می‌کند؛ ماهیت و محتوای پدیده‌های اجتماعی در طول زمان و در گذار از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند؛ پدیده‌های اجتماعی در آن واحد از چندین علت متفاوت، تأثیری در خور توجه می‌پذیرند؛ تشخیص تقدم و تأخر علل و تشخیص اینکه کدام یک نقش تعیین‌کننده‌تری دارد، معمولاً دشوار است؛ روابط علی بین پدیده‌های اجتماعی، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد؛ در بسیاری از روابط علی پدیده‌های اجتماعی، روابط و تأثیر و تأثر، متقابل و دوسویه است (لیتل، ۱۳۸۱: ۵۰).

فقط برای خوابیدن به منزل مراجعه می‌کنند؛ به همین دلیل، روابط متقابل اجتماعی در خانواده کاهش یافته، و روابط دوستانه به تدریج به روابط رسمی و عقلانی تبدیل شده است. در این صورت خانواده‌ای که در گذشته بخش عمده‌ای از جریان جامعه‌پذیری را بر عهده داشت و نظارت و کنترلش (درونی و بیرونی) بر اعضا تا حد خوبی رفتار آنها را اصلاح می‌کرد، با تغییر کارکردی مواجه شده و دچار گسیختگی شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹).

در جامعه امروزی افراد از حمایت‌های اجتماعات محلی نیز محروم شده‌اند. اگر در گذشته از لحاظ ماندگاری افراد و خانواده‌ها در یک محله، نظارت اجتماعی بر آنها مانعی جدی در بروز کجروی به شمار می‌رفت، در حال حاضر با کاهش ماندگاری محلی و افزایش جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌ها، تنوع فرهنگی و قومی در محلات افزایش، و امکان نظارت اجتماعی محلی کاهش یافته است. نمونه بارز این وضعیت در حاشیه شهرها (به‌ویژه شهرهای بزرگ) به‌خوبی دیده می‌شود و به همین دلیل میزان جرم و جنایت در حاشیه شهرها نسبت به سایر محله‌ها بسیار بیشتر است (آخوندی، ۱۳۸۲: ۸۰).

مشاغل نیز در جامعه امروزی با تغییر اساسی روبه‌رو هستند و بیشتر جنبه قراردادی و موقتی یافته‌اند. از این‌رو هویت شغلی پایدار و قابل اتکا، در افراد شکل نمی‌گیرد؛ لذا همانند گذشته قادر به مهار رفتار افراد نیستند. موقتی و قراردادی‌شدن مشاغل، احساس امنیت شهروندان را کاهش، و آنها را به سمت رفتارهای کجروانه سوق داده است (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳: ۲۰).

بر اساس نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، کاهش نظارت اجتماعی باعث کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود، اقتدار ناشی از یکپارچگی اجتماعی در جامعه کاهش می‌یابد و به تبع آن توان جامعه در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی کم می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۳). با این نگاه، استعداد نظارت اجتماعی (در دو بعد درونی و بیرونی) در کنترل انحرافات اجتماعی بی‌نظیر است. اما چون با تغییرات اجتماعی و فرهنگی به‌وجودآمده امکان بازگشت به وضعیت گذشته مسدود است، راهبردی باید اتخاذ شود که ضمن داشتن قوت روش‌های گذشته، از پویایی و قدرت هماهنگی با وضعیت جدید نیز برخوردار باشد.

قرآن مجید در آیه ۴۱ سوره حج^۱ دو ویژگی مهم جامعه دینی را «نظارت اجتماعی» و «ایمان»^۲ می‌داند. نظارت اجتماعی ابزار قرارگرفتن رفتارها در مسیرهایی است که جامعه انتظار آن را دارد و با جریان جامعه‌پذیری از بدو تولد آغاز می‌شود و در طول زندگی ادامه می‌یابد. موفقیت در فرآیند مزبور زمینه درونی‌شدن نظارت اجتماعی را فراهم می‌آورد و قوی‌ترین ابزار کنترلی در انسان که همان ایمان است، شکل می‌گیرد. در واقع، نظارت اجتماعی کارکرد ایمان است. ایمان باعث زدایش شک و تردید می‌شود و عمل را بر تکلیف الهی استوار می‌سازد و مؤمن را از تکان‌های حوادث نگه می‌دارد. برخلاف غیرمؤمن که چون خیر و شر را بر عهده خویش می‌داند همواره در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارد.^۳ به تدریج آنچنان ایمان در قلب استقرار می‌یابد، که طبق آیه ۲۲ مجادله^۴ «مؤید به روحی از خدا» می‌شود. این مؤید که در آیه ۴ سوره فتح^۵ «سکینه»^۶ نام گرفته و نتیجه ایمان است، تمام زندگی مؤمن را روشن، و او را از انحرافات ریز و درشت اجتماعی مصون می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۰۲).

چنین فردی قوی‌ترین، مؤثرترین، روزآمدترین و دائمی‌ترین ابزار کنترلی را در اختیار دارد که دوام آن تقویت ایمان را در پی دارد و تقویت ایمان، نظارت اجتماعی را تقویت و روزآمد می‌کند. بنابراین، چنانچه نظارت اجتماعی به عنوان اولین نقش هر کدام از افراد جامعه نهادینه شود دینداری تقویت می‌شود و کج‌رفتاری و انحراف در جامعه کاهش خواهد یافت. پایداری در نظارت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد و زمینه رشد و پویایی فرهنگی

۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ».
۲. در آیات بسیاری نماز و زکات جزء شاخص‌های ایمان محسوب شده‌اند.
۳. «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۶۸)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۱۱)؛ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷)؛ «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۶)؛ «ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران: ۱۷۵).
۴. «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ».
۵. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا».
۶. «سکینه» از ماده سکون و به معنای آرامش، قرار و نداشتن اضطراب در تصمیم و اراده است. با «سکینه» شک، دودلی و ترس از انسان دور می‌شود، و در برابر حوادث سخت و پیچیده ثابت‌قدم می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۰۲).

را فراهم می‌کند. در چنین وضعیتی تعادل اجتماعی برقرار، و نظام اجتماعی از استحکام و ثبات برخوردار می‌شود. ادعای این مقاله آن است که با تقویت «دینداری»، ایمان در خانواده،^۱ محله و شغل^۲ تقویت می‌شود و کارکرد نظارت اجتماعی (درونی و بیرون) بدان‌ها باز خواهد گشت و در نتیجه با افزایش نظارت اجتماعی، زمینه‌های انحراف مسدود خواهد شد^۳ (آخوندی و معیدفر، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۴).

تضعیف احساس تعلق خاطر به جمع

یکی از عوامل شکل‌گیری گروه، احساس تعلق خاطر به آن است که دارای چهار عنصر علاقه‌مندی، تعهد، مشارکت اجتماعی و ایمان است. اگر کسی به جامعه و گروه خویش علاقه‌مند باشد حاضر نخواهد شد هنجارهای اجتماعی آن جامعه را نقض کند. او نه تنها خود ناقض هنجارها نخواهد بود، بلکه جلو دیگرانی را خواهد گرفت که قصد شکستن هنجارها را دارند. هیرشی معتقد است در درجه نخست کجروی ناشی از ضعف و کاهش وابستگی و تعلق خاطر به جامعه است (رابرتسون، ۱۳۷۷: ۱۷۶). تعهد نیز به معنای دین فرد به جامعه است که چهار شکل می‌تواند داشته باشد؛ تعهد ارزشی، اجتماعی، تعهد به اهداف جمعی و تعهد به منابع اقتصادی (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۱). هرچه احساس دین فرد در این چهار جهت، به جامعه بیشتر باشد، کمتر دچار انحراف و کجروی خواهد شد. از سوی دیگر، هرچه فعالیت‌های اجتماعی بیشتر و گسترده‌تر باشد، خطر انحراف و کجروی، افراد را کمتر تهدید می‌کند؛ بر این اساس افراد بیکار و کسانی که مشارکت اجتماعی کمتری دارند، بیشتر در معرض خطرند. در این دیدگاه، ایمان و عقیده به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و دینی نیز عنصری اساسی در حفظ و حراست افراد به شمار می‌رود. هرچه ایمان افراد قوی‌تر و مستحکم‌تر باشد، کمتر دچار انحراف و کجروی می‌شوند. بنابراین، چنانچه علاقه‌مندی افراد به جامعه کاهش یابد و تعهد

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۹-۱۰).

۳. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰).

در قبال آن به سستی گراید، و از مشارکت اجتماعی و پای‌بندی‌های دینی و اخلاقی کاسته شود، افراد در معرض انحراف و کجروی خواهند بود.

تحلیل محتوای کیفی آیات ۳۷ و ۵۶ سوره غافر^۱ نشان می‌دهد علاقه، نوع درک و فهم انسان را تحت تأثیر قرار داده، میزان و نوع تأثیرپذیری او را مشخص می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۶۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۳۸). مبتنی بر این نتیجه، علاقه به دین زمینه‌گرایش به آن و علاقه به کارگزاران دین، زمینه تأثیرپذیری از اندیشه‌های آنها را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۷۰ و ۲۳۷-۲۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۷۳). از آنجایی که علاقه‌مندی به دین باعث افزایش گرایش به آن می‌شود، زمینه افزایش انعطاف نسبت به دین و در نتیجه حفظ، تقویت و پویایی دینداری را نیز فراهم می‌کند. لذا یکی از راهبردهای اساسی حفظ، تقویت و پویایی دینداری، افزایش علاقه‌مندی به دین و کارگزاران آن است. از طرف دیگر، کاهش علاقه به آن دو، دینداری را در معرض تضعیف و به تدریج نابودی قرار می‌دهد و بر میزان جرایم می‌افزاید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۷۰ و ۲۳۷-۲۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۷۳)؛ چراکه بر اساس آیه ۱۷۷ سوره بقره^۲، دینداری، افراد را علاقه‌مند به جامعه، متعهد، باایمان و مسئولیت‌پذیر می‌کند (آخوندی و معیذفر، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۴).

ضعف سرمایه اجتماعی

به دلایل متعدد، فهم و سنجش «سرمایه اجتماعی»^۳ روزبه‌روز اهمیتی مضاعف یافته و محققان بسیاری را به خود مشغول کرده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجاری غیررسمی می‌داند که همکاری بین افراد را ارتقا می‌دهد. از نظر او، هرچند سرمایه اجتماعی خود هنجار است، اما محصول

۱. «أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَاطَّلَعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لَفْرَعُونَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدُّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ» (غافر: ۳۷). «أَنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَغِيرَ سُلْطَنٍ أَتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶).

۲. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷).

هنجارهای اجتماعی نیز هست. بر اساس تعریف فوکویاما، عناصری همانند اعتماد اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و مشارکت اجتماعی، هم نتیجه سرمایه اجتماعی‌اند و هم آن را به وجود می‌آورند و شکل می‌دهند (<http://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.html>).

پوتنام نیز سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌های نظام‌مند سازمان اجتماعی همچون اعتماد، هنجارها و شبکه‌های ارتباطی می‌داند که با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآمدی جامعه را افزایش می‌دهد (<http://www.sse.rue.dk/institutional/research-paper-03.pdf>). بر این مبنا و آنچه از تحلیل محتوای بخشی از آیات قرآن به دست می‌آید، عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی، پایبندی اخلاقی و دینی و روابط اقتدار. در صورت کاهش اعتماد اجتماعی، بدبینی به دیگران افزایش می‌یابد و سپس روابط متقابل و مشارکت اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. از آنجایی که مشارکت اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و پایبندی‌های اخلاقی و دینی از عناصر احساس تعلق خاطر به جمع نیز هستند، با بروز ضعف و سستی در آنها، ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش خواهند یافت. از سوی دیگر، همین عناصر (مشارکت اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و پایبندی‌های اخلاقی و دینی) از اجزای شکل‌دهنده و تقویت‌کننده نظارت اجتماعی به شمار می‌روند که در صورت مواجهه با ضعف و سستی، نظارت اجتماعی (بیرونی و درونی) را نیز با ضعف روبه‌رو خواهند کرد. به گمان این مقاله، «دینداری» به عنوان عنصری پویا و تحرک‌آفرین، توان تقویت مستمر عناصر اصلی سرمایه اجتماعی^۱ (اعتماد، مشارکت و روابط متقابل^۲) را دارد.

تضاد ارزشی و هنجاری

تنوع فرهنگی، قومی، سلیقه‌ای، شکاف نسلی و گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، زمینه اشاعه ارزش‌های متفاوت و گاه متضاد در جامعه را فراهم می‌کند. تضاد ارزشی مستلزم تضاد هنجاری است که نتیجه آن شکل‌گیری جامعه‌ای دو یا چندقطبی است. تضاد هنجاری و ارزشی، نظم و

۱. «وَضْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲).

۲. «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰).

یکپارچگی اجتماعی را با مشکل مواجه می‌کند؛ روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ زمینه تضعیف اعتماد اجتماعی را فراهم می‌آورد و روابط عاطفی و دوستانه را محدود و خاص‌گرایانه می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

این وضعیت باعث کاهش سرمایه اجتماعی و نیز تضعیف نظارت اجتماعی و سپس افزایش انحرافات اجتماعی می‌شود. ادعای این مقاله آن است که با راهبرد تقویت «دینداری» زمینه‌های کجروی و انحرافات ناشی از بروز تضاد ارزشی و هنجاری مسدود و اصلاح می‌شود؛ زیرا دین اشاعه‌دهنده نگاه برادرانه دینداران به همدیگر است؛^۱ حتی انحرافات که از طریق «برچسب‌زنی»^۲ و «هم‌نشینی»^۳ احتمال بروز دارند، با تقویت دینداری، مهار می‌شوند و کاهش خواهند یافت. از آنجایی که مؤمنان بر اساس آیه ۱۰ سوره حجرات^۴ با همدیگر برادرند، روابط اجتماعی در میان آنها، همانند اعضای یک خانواده، گرم، عاطفی و دوستانه است. چنانچه اختلاف و تضادی هم بروز کند باز هم سفارش همان روابط دوستانه است. چون آنچه جامعه را حفظ، و دینداری را تقویت می‌کند وفاق و نه تضاد است.

از تحلیل محتوای کیفی آیه ۳۴ سوره فصلت^۵ برمی‌آید که روابط اجتماعی، کاری شبیه معجزه انجام می‌دهند. در این آیه ضمن ارزیابی «خوبی و بدی» می‌فرماید: «ادْفَعِ بِأَلْتِي هِي أَحْسَنُ»، روابط اجتماعی غیردوستانه و بد را با راهبرد روابط اجتماعی حسنه، دوستانه و گرم پاسخ گویند و هرگز بدی را با بدی و زشتی را با زشتی پاسخ مگویند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۸۲).

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴).
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلا تَجَسَّسُوا وَلا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضاً يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (حجرات: ۱۲).
۳. «وَلا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴).
۴. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».
۵. «وَلا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ».

این نکته مهم در آیه ۹۶ سوره مؤمنون^۱ نیز به شکل دیگری مطرح شده است: «ادْفَعُ بَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ». سفارش به اتخاذ چنین راهبردی، در روابط اجتماعی دوستانه، عاطفی و گرم، به طور طبیعی در جریان است و نیازی به سفارش آن، در آیه مزبور نبوده است. دلیل سفارش به اتخاذ چنین راهبردی در روابط اجتماعی، در ادامه آیه ۳۴ سوره فصلت، بیان شده است: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». «وَلِيٌّ» در این آیه به معنای دوست، و «حَمِيمٌ» در اصل به معنای آب داغ و سوزان است. به همین دلیل، به عرق بدن نیز «حمیم» گفته می‌شود و حمام را نیز به همین مناسبت، «حمام» می‌گویند. منظور از «حمیم» در این آیه، دوست پرمحبت و گرم و داغ است. بنابراین، رابطه اجتماعی گرم و دوستانه، به‌ویژه اگر در مقابل روابط غیردوستانه و خصمانه اتخاذ شود، زمینه تبدیل دشمن را به دوستی مهربان و پرمحبت فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۹۵/۱۷). زیرا هر کس بدی کند انتظار مقابله به مثل دارد، اما زمانی که ببیند طرف مقابل نه تنها بدی را به بدی پاسخ نمی‌دهد، بلکه با خوبی و نیکی به مقابله برمی‌خیزد، طوفانی در وجودش برپا شده، وجدانش بیدار و شرمنده می‌شود، احساس حقارت می‌کند، و برای طرف مقابل عظمت و بزرگی قائل می‌شود. اینجا است که محبت، صمیمیت و دوستی، با کینه‌ها و دشمنی‌ها جایگزین می‌گردند^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۸۲).

مطالعه تاریخ نیز نشان می‌دهد پیامبر اسلام (ص) نیز به این راهبرد همواره عنایت داشته‌اند؛ از جمله به هنگام فتح مکه که نه تنها دشمنان بلکه دوستان نیز انتظار انتقام‌جویی شدید مسلمانان، و به راه انداختن حمام خون را داشتند، پیامبر (ص) با جمله «اذهبوا فانتم الطلقاء» همه را مشمول عفو خود قرار داد. لذا این نوع رابطه اجتماعی چنان طوفانی در مشرکان مکه برپا کرد که بر اساس آیه ۲ سوره نصر^۳ «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» فوج فوج مسلمان شدند و آیین اسلام را با جان و دل پذیرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۸۳).

۱. «ادْفَعُ بَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ».

۲. گرچه این قانون دائمی نیست ولی غالب است. زیرا همیشه اقلیتی وجود دارند که از این روش سوءاستفاده می‌کنند. لذا تا زیر ضربات خردکننده شلاق مجازات قرار نگیرند دست از اعمال زشت خود نمی‌کشند.

۳. «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا».

البته باید توجه داشت که در این آیه می‌فرماید: «گویا یک دوست گرم و صمیمی است: کأنه ولى حميم»؛ چراکه اتخاذ این راهبرد باعث می‌شود اگر او واقعاً هم در صف دوستان صمیمی درنیاید، حداقل بکوشد در ظاهر چنین باشد (همان). از آنجایی که داشتن چنین راهبردی با مخالفان کار آسانی نیست، در آیه بعد (سوره فصلت) ^۱ مبانی زمینه‌ساز آن را، در عبارتی کوتاه و پرمعنا بیان می‌فرماید: «وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا: کسانی این توانایی را دارا می‌شوند که دارای صبر و استقامت باشند». از سوی دیگر، داشتن صبر و استقامت فقط از کسانی برمی‌آید که بهره‌برگری از ایمان و تقوا داشته باشند: «إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ». مهار خشم و غضب فقط در پرتو ایمان و تقوا میسر می‌شود؛ چراکه ایمان آن‌قدر روح را وسیع می‌کند که مؤمن به‌آسانی از آزار دشمنان متأثر نمی‌شود، و حس انتقام‌جویی در او شعله‌ور نمی‌گردد (آخوندی و معیدفر، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۴).

در آیات قرآن، انسان، بدون قید (زمان، مکان، زبان، قوم، نژاد، ...) مخاطب قرآن است ^۲ و هر آنچه در زندگی اجتماعی برای رشد و تعالی بدان نیازمند است در آن گنجانده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۴). تحلیل محتوای بخشی از آیات الهی نشان می‌دهد نهادینه‌شدن دین باعث نزول برکات ^۳ (اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی) می‌شود و رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه را در پی دارد. ^۴ به عبارت دیگر، دینداری زمینه رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند و جامعه‌ای سالم و رشدیافته به ارمغان می‌آورد.

۱. «وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت: ۳۵).

۲. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا: ۲۸)؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸)؛ «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲)؛ «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)؛ «وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (المدثر: ۳۱)؛ «هَٰذَا بَيِّنَاتٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۸).

۳. «برکات» جمع «برکت» و در اصل به معنای «ثبات» و استقرار است. لذا به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌شود؛ در برابر موجودات بی‌برکت که زود فانی و نابود و بی‌اثر می‌شوند (مکارم شبیرزی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۶۶).

۴. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» (اعراف: ۹۶). «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده: ۶۶).

آیه ۹۷ سوره نحل نیز، نوید «حَیوة طَیِّبَةً» را در صورت نهادینه‌شدن دین به انسان می‌دهد.^۱ بدیهی است حیات «طیبه» مد نظر قرآن، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۲۸). آیه ۴۵ سوره عنکبوت^۲ نیز نوید اصلاح جامعه را با راهبرد دینداری می‌دهد و به صورت مشخص تأکید می‌کند که اقامه نماز مانع بروز هرگونه انحراف، فساد و مسئله اجتماعی است.

بر اساس آیات قرآن، در صورت نهادینه‌نشدن دین، وضعیت دیگری در جامعه حاکم می‌شود. این بخش از آیات قرآن نشان می‌دهد اگر دین نهادینه نشود، فساد، انحراف و مسائل اجتماعی، جامعه را به نابودی می‌کشاند.^۳ آیات ۲۳ سوره فتح،^۴ ۶۲ سوره احزاب،^۵ ۷۷ سوره اسراء^۶ و ۱۳۷ سوره آل عمران^۷ نشان می‌دهد اضمحلال اجتماعی و فرهنگی جامعه که در نتیجه ضعف دینداری بروز می‌کند، قانون و منطق پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌آید. به همین دلیل، یکی از مأموریت‌های مهم رسول خدا (ص) در آیات ۱۱ سوره انعام،^۸ ۶۹ سوره نمل،^۹ و ۴۲ سوره روم،^{۱۰} تشویق مردم به سیر و سفر در زمین است، تا سرانجام و آثار باقی‌مانده اقوام گذشته که

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیوةً طَیِّبَةً» (نحل: ۹۷).

۲. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».

۳. «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱)؛ «وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف:

۹۶)، «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِیْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری: ۳۰)؛ «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقَرْیَةَ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ»

(هود: ۱۱۷)؛ «قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَلِئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (یس: ۱۹)؛ «فَكَفَّرْتَ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ

الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲).

۴. «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

۵. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

۶. «سُنَّةٌ مِّنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَ لَآ تَجِدَ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا».

۷. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

۸. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

۹. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ».

۱۰. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّشْرِكِينَ».

خانه‌هایشان خراب، آثارشان محو و نسلشان قطع شده را ببینند و دچار گرفتاری‌ها و مسائل آنها نشوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۹۳).

بنابراین، با عنایت به آیه ۹ سوره اسراء^۱ انسان در زندگی فردی و اجتماعی با به‌کارگیری قرآن به «مستقیم‌ترین، پابرجاترین و صاف‌ترین راه» رهنمون می‌شود (همان، ج ۳: ۶۳؛ ۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۷). با عنایت به معنای هدایت^۲ قرآن کریم انسان را با استوارترین روش، به استوارترین نتیجه نائل می‌کند (همان، ج ۱۳: ۶۴). بر این اساس، هدف قرآن رشد و تعالی انسان در جامعه است که طبق آیه مزبور^۳ هدایت اقوام است و نتیجه آن رشد و تعالی جامعه^۴ به شمار می‌آید و عامل اساسی کاهش انحرافات، کج رفتاری‌ها، خشونت‌ها، روابط جنسی نامشروع و افزایش صداقت، دوستی، همکاری، انفاق، اعتماد، امانتداری، صبر، توکل، آرامش و اطمینان است. اکنون جای طرح مسئله این مقاله است که: اگر دینداری چنین کارکردی دارد چرا بخشی از دینداران با انحرافات و کج رفتاری‌ها دست به گریبان‌اند؟ پاسخ به این پرسش در سیالیت، مدرج‌بودن و میزان قدرت دینداری نهفته است که در پی می‌آید.

سیال‌بودن، ویژگی برجسته دینداری

تحلیل محتوای کیفی آیات الهی نشان می‌دهد^۵ دینداری سیال و در حال جابه‌جایی است. همین ویژگی، دینداری را در معرض تضعیف و گاه نابودی قرار می‌دهد؛ لذا همواره به مراقبت نیاز دارد؛ اگر استحکام نباید از میان می‌رود و چنانچه زمینه رشد برای آن فراهم گردد، پویا و در حال شدن

۱. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِينَ هِيَ أَقْوَمُ».

۲. هدایت عبارت است از: «یصال به مطلوب» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۷).

۳. همانا این قرآن خلق را به راست‌ترین و استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب عظیم بشارت می‌دهد.

۴. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۵۷)؛ «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء: ۸۲)؛ «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يَنَادُونَ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ» (فصلت: ۴۴).

۵. توبه: ۱۶، ۴۷، ۵۵؛ فاطر: ۲۳؛ نحل: ۹۰؛ فتح: ۵؛ کهف: ۱۰۳؛ اسراء: ۳۹، ۴۱؛ ابراهیم: ۲۷؛ حمد: ۷؛ بقره: ۱۰۱؛ آل عمران: ۷۲، ۱۰۲؛ منافقون: ۹؛ نساء: ۱۳۷؛ مائده: ۵۷؛ نمل: ۵۳؛ تحریم: ۶، ۸؛ مائده: ۹۳، ۱۰۵؛ ابراهیم: ۳۵؛ انعام: ۱۵۰؛ انفال: ۴؛ طه: ۱۶؛ اعراف: ۱۷۶.

است. از آنجا که دینداری با دو بعد «ایمان» و «عمل صالح» بنا می‌شود، شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد (آخوندی، ۱۳۹۲)، ضعف و قوت آن دو، ضعف و قوت دینداری به شمار می‌رود؛ سیالیت دینداری نیز به همین دو عنصر (ایمان و عمل صالح) ارجاع می‌شود. انسان همواره در برابر عمل خویش مسئولیت دارد و پاسخگو است و تحت هیچ شرایطی تکلیف و مسئولیت از او ساقط نمی‌شود؛ آمیختگی دینداری با مسئولیت و تکلیف، وجهی وجیه، در سیال بودن آن به شمار می‌رود؛ چراکه دائماً در حال شکل‌دادن به دینداری و تعیین شدت و ضعف آن است.

وجه دیگر سیال بودن دینداری، در ایمان به عنوان اصلی‌ترین بعد دینداری نهفته است. تحلیل محتوای بخشی از آیات الهی نشان می‌دهد ایمان حقیقتی سیال و در حال شدن است^۱ و چنانچه از ثبات و استقرار مناسب برخوردار نباشد، احتمال سستی، ضعف و از میان رفتن آن وجود دارد. این ویژگی از آن جهت که زمینه پویایی و رشد بدون توقف آن را فراهم می‌کند، فرصتی استثنایی به شمار می‌آید؛ ولی از آن‌رو که زمینه تزلزل و سستی ایمان را نیز فراهم می‌آورد، از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که (به‌ویژه) در ابتدای راه متوجه دینداران می‌شود. اگر ایمان، استحکام و استقرار نیابد، خطر تزلزل و از بین رفتن، آن را تهدید می‌کند. گرچه ایمان تا استقرار نیابد به صورت ذاتی سیال است اما محیط و اوضاع و احوال نیز سهم مهمی در تشدید سیالیت آن دارند.

۱. تغییر محیط اجتماعی سیال بودن ایمان را نمودار و تشدید می‌کند؛ زمانی که فرد از محیط یک‌دست و هماهنگ دینی، پا به محیطی ناهماهنگ با دین می‌گذارد، به تناسب ضعف و سستی ایمان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و دچار تزلزل در ایمان و به تدریج تزلزل در عقاید، باورها و گرایش‌ها می‌شود. با تعدد محیط‌هایی که فرد به آنها وارد می‌شود، تأثیرات نیز متعدد و گاه متضاد می‌شود؛ بدون اینکه از تأثیر هر محیط کاسته یا تأثیر آن با چیزی دیگر جایگزین شود. در آیات ۱۳۹ تا ۱۴۴ سوره نساء^۲ این وضعیت تشریح، و از مؤمنانی یاد می‌شود که در روابط اجتماعی با کفار، در

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَدَّوْا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۷).
 ۲. «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّوْنَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۳۹) وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱۴۰) الَّذِينَ يَتْرِبُصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ

مجالس و محافل آنها حاضر می‌شوند و به تدریج به آنها انس و علاقه پیدا می‌کنند و تحت تأثیر فرهنگ و عقاید آنها قرار می‌گیرند. علاقه‌مندی به جامعه کفر، باعث می‌شود تهمت‌ها، طعنه‌ها و استهزای آنها، به دین تصدیق و امضا شود و فرد خود را همسوی با آنها جلوه دهد. اما در برگشت به محیط اولیه، با مؤمنان و دین، خود را هماهنگ نشان می‌دهد و از کفار تبرا می‌جوید. با تداوم روابط اجتماعی مؤمنان با کفار، بر سیالیت ایمان افزوده می‌شود و افراد دائماً در حال ایمان‌آوردن و سپس کافرشدن و باز ایمان‌آوردن و سپس کافرشدن هستند تا زمانی که ایمان کاملاً متزلزل شود و کفر تمام وجودشان را فرا گیرد.^۱

۲. سختی و دشواری اوضاع و احوال، عرصه دیگر ظهور سیالیت ایمان است. ایمان در مقابل سختی اوضاع و احوال، وقتی پایدار می‌ماند که قبلاً مستقر شده و استحکام یافته باشد. اگر این استحکام به وجود نیامده باشد، با تزلزل ایمان فرد دچار یأس و ناامیدی می‌شود؛^۲ چراکه تحمل سختی با سست شدن ایمان کاهش می‌یابد. فرد با هر بار دچار شدن به ناامیدی از محدوده ایمان دور، و با بازگشت امید، مجدداً وارد محدوده آن می‌شود. در وضعیت رفاه و رونق نیز، همانند وضعیت سخت و دشوار، نیازمند ایمانی مستقر و محکم هستیم. طبق آیه ۱۰ سوره هود،^۳ در اوضاع و احوال رونق نیز غفلت و غرور سراغ فرد آمده، او را از دایره ایمان خارج می‌کند. مبتنی بر آیه ۱۱ سوره هود^۴ «صبر» و «عمل صالح» عواملی هستند که فرد را در وضعیت مزبور، ثابت‌قدم و استوار نگه می‌دارند. اما فقط برای کسانی امکان صبر و خویشتن‌داری در برابر مصائب و اوضاع و احوال رونق وجود دارد که ایمان در آنها به ثبات نسبی رسیده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۳۴).

مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ بِحُكْمِ بَيْنِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالَّذِينَ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱) إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَلِيلًا (۱۴۲) مُدْبِئِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لاَ إِلَى هَؤُلاءِ وَلاَ إِلَى هَؤُلاءِ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۱۴۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لاَ تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (۱۴۴)».

۱. «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ اِزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغَيِّرَ لَهُمْ وَلاَ لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۷).

۲. «وَلَنْ أَقْنَاهُ إِلاَّ نَسْنَسَ مِنْ رَحْمَةٍ ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكُفُورٌ» (هود: ۹)

۳. «وَلَنْ أَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرْءٍ مَسْتَه لِقَوْلِنَ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ» (۱۰)

۴. «إِلاَّ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (هود: ۱۱).

۳. دامن‌زدن به انحرافات و کجروی‌ها زمینه کاهش استحکام ایمان را فراهم می‌کند و در نتیجه ضعف آن را باعث می‌شود. ضعف ایمان به صورت تصاعدی بر سیالیت آن می‌افزاید. این وضعیت به گونه‌ای است که با افزایش میزان کجروی و انحراف بر سرعت خروج از ایمان و مجدداً ورود به آن، افزود می‌شود و به تدریج خروج بدون بازگشت به ایمان اتفاق می‌افتد.^۱

۴. آیه ۷۷ سوره توبه^۲ و روایات متعدد^۳ نشان می‌دهد دروغ‌گویی و پیمان‌شکنی، که از نشانه‌های نفاق به شمار می‌رود، و فرد را از محدوده ایمان که محدوده امنیت و هدایت است، خارج و سپس بر آن وارد می‌کند، با افزایش تعداد دروغ‌ها، بر سرعت خروج از ایمان و بازگشتن به آن، افزوده می‌شود و به تدریج خروج بدون بازگشت به ایمان اتفاق می‌افتد.

۵. با توجه به آیه ۲۶۴ سوره بقره،^۴ ریاکار نیز در زمان ارتکاب عمل ریاکارانه خویش، از دایره ایمان خارج است. با هر عمل ریاکارانه، فرد از محدوده ایمان خارج می‌شود و پس از اتمام آن، مجدداً به محدوده آن وارد می‌شود؛ با افزایش تعداد اعمال ریاکارانه، بر سرعت خروج از ایمان و بازگشت به آن افزوده می‌شود و به تدریج خروج بدون بازگشت به ایمان اتفاق می‌افتد که در واقع بر اساس روایت امام صادق (ع) مؤمن از مرز ایمان و اسلام خارج می‌شود و به مرز کفر پا می‌گذارد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۷).

۱. امام صادق (ع) فرمودند: اگر مؤمن، به گناهان کبیره دست زند، یا به گناهان صغیره‌ای دامن زند که اصرار ورزیدن به آنها نهی شده است، از مرز ایمان خارج می‌شود و دیگر نام مؤمن بر او صادق نیست. اما در این وضعیت او از مرز اسلام بیرون نمی‌شود و نام مسلمان بر او باقی است. چنین افرادی اگر از خطای خویش توبه و بازگشت کنند و از خدای خود طلب بخشایش، مجدداً به مرز ایمان وارد می‌شوند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۷).

۲. «فَأَعْتَبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه: ۷۷).

۳. «سئل رسول الله (ص) يكون المؤمن جباناً؟ قال نعم، قيل و يكون بخيلاً؟ قال نعم، قيل يكون كذاباً؟ قال لا!» (نراقی، ۱۳۱۲، ج ۲: ۳۲۲). همچنین، از حضرت علی (ع) نقل شده است: «لا يجد العبد طعم الايمان حتى يترك الكذب هزله وجده» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۵۶). نیز ایشان می‌فرمایند: «ایاک و مصادقة الكذاب فانه كالسراب، يقرب عليك البعيد، و يبعد عليك القريب» (نهج البلاغه: کلمه قصار ۳۷).

۴. «يا أيها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم باليمن والأذى كالأذى ينفق ماله رياء الناس ولا يؤمن بالله واليوم الآخر فمثله كمثل صفوان عليه تراب فأصابه وأبل فتركه صلداً لا يقدرُونَ على شيءٍ مما كسبوا والله لا يهدي القوم الكافرين» (۲۶۴)

۶. در آیه ۶۵ سوره نساء^۱ ایمان، بسته‌ای کامل و جامع است که جامعیت آن موضوعیت دارد. به عبارت دیگر، مؤمن باید در برابر همه اوامر الهی تسلیم باشد. اما اگر در برابر بعضی از اوامر الهی تسلیم باشد و بخشی دیگر را مربوط به خویش نپندارد، ایمان تجزیه می‌شود و در حالت «آمد و شد» قرار می‌گیرد. این وضعیت زمانی نمودی عینی‌تر می‌یابد که یکی از اوامر الهی، علیه فرد باشد و منافعش را تأمین نکند یا ضرری را متوجه او گرداند؛ در این وضعیت احتمال شانه خالی کردن از این نوع اوامر الهی افزایش می‌یابد، مگر اینکه ایمان از ثبات لازم برخوردار شده باشد.

۷. ظلم عامل دیگری است که «آمد و شد» ایمان را می‌افزاید. آیه ۸۲ سوره انعام،^۲ ایمان را تأمین‌کننده امنیت (در ابعاد ذهنی- عینی، فردی- اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...) و هدایت می‌داند؛ به شرط اینکه با ظلم پوشیده نشود و بی‌اثر نگردد.^۳ بنابراین، ظلم^۴ تأثیر ایمان را در ایجاد امنیت و هدایت خنثا می‌کند و بر سیالیت ایمان می‌افزاید. از آن جهت که دینداری دارای مراتب است (آخوندی، ۱۳۹۲)، اثر «ظلم» بستگی به مراتب دینداری فرد دارد. در هر مرتبه از مراتب دینداری، زمانی از سیالیت ایمان کاسته می‌شود که مؤمن، مناسب آن مرتبه، از ظلم دور گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۷۸-۲۸۲). آنچه در مراتب بالای دینداری ظلم به شمار می‌آید تأثیر ایمان را مخدوش می‌کند؛ در مراتب پایین‌تر ظلم به شمار نمی‌آید و تأثیر ایمان را نمی‌پوشاند. با افزایش مراتب دینداری، ظلم مصادیق وسیع‌تری می‌یابد و دقیق‌تر و جزئی‌تر می‌شود (همان).

از آنچه گذشت، سیالیت دینداری نتیجه می‌شود و ثابت می‌گردد که با افزایش سیالیت بر میزان انحرافات و کج‌رفتاری‌های دینداران افزوده می‌شود؛ فقط با استقرار، تقویت و استحکام دینداری از طریق درونی‌شدن می‌توان از تزلزل متدینان کاست و زمینه‌های انحراف را در جامعه خشکاند. از زاویه‌ای دیگر سیال بودن دینداری باعث می‌شود همه مسلمانان زیر چتر ایمان باقی

۱. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا فِيمَا سَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

(۶۵)

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (۸۲).

۳. کلمه «لبس» که در آیه آمده به معنای «ستر و پوشیدن» است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۴۷).

۴. ظلم عبارت است از خروج از اعتدال و میانه‌روی؛ و در آیه مزبور به صورت نکره در سیاق نفی آمده و افاده عموم می‌کند؛ اما چون سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه ظلم مانع ظهور و بروز آثار حسنه و مطلوب ایمان می‌شود، قرینه‌ای است بر اینکه مراد از ظلم در آیه، نوع خاصی از آن است که برای ایمان مضر است و آن را فاسد و بی‌اثر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۷۸-۲۸۲).

بمانند و متهم به کفر نشوند؛^۱ این همان چیزی است که از آن به مدرج‌بودن دینداری یاد می‌کنیم؛ و ما را قادر می‌سازد دینداری را دارای مراتب بدانیم و بخشی از آسیب‌های اجتماعی را با آن توضیح دهیم. بنابراین، سیال‌بودن ایمان، هم فرصتی بی‌نظیر و هم تهدیدی جدی به شمار می‌رود.

مراتب دینداری

تحلیل محتوای بخشی از آیات الهی نشان می‌دهد^۲ دینداری مدرج و دارای مراتب است. همچنین، در آیات ۱۰۶ سوره یوسف^۳ و ۴ سوره فتح^۴ تأکید می‌شود بعضی دینداران در حالی که مؤمن‌اند، مراتبی از شرک را نیز دارند، به نحوی که ایمانشان امکان تقویت یا تضعیف دارد و از نظر ضعف و قوت قابل درجه‌بندی است. بر اساس این بخش از آیات قرآن، دینداری حقیقی ثابت و لایتغیر نیست تا بخشی از افراد جامعه به دلیل نوع کنش‌های اجتماعی از محدوده آن خارج شوند؛ بلکه حقیقتی ذومراتب است که همه افراد را با دامنه کنش‌های متنوع دینی در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، دینداری دارای مراتبی است که در مراتب پایین، ایمان با «شرک» (به معنای ناخالصی) همراه است و به تدریج با تقویت آن، از ناخالصی‌ها کاسته می‌شود. رتبه‌بندی دینداری، هم مربوط به ظرفیت شخصیتی و ادراکی افراد و هم مربوط به نوع، میزان و تنوع تأثیرپذیری از پیام دین می‌شود. مثلاً برخی مفسران کلمه «مستضعفین» را در آیات قرآن مربوط به افراد و گروه‌هایی می‌دانند که در اثر کاستی‌های مختلف جسمی، روانی یا موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، حقیقت اسلام برایشان آشکار نشده و از گرایش بدان باز مانده‌اند؛ یا امکان پای‌بندی به آن را نیافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۱-۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۸۴-۱۸۸).

۱. هرچه دایره ایمان تنگ‌تر شود، افراد بیشتری از آن خارج و متهم به کفر می‌شوند؛ کاری که گروه‌های تکفیری انجام می‌دهند.
۲. در آیه ۱۱ سوره مجادله «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» و آیه ۱۹ سوره احقاف «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مَّا عَمِلُوا» و آیه ۱۰ سوره فاطر «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ».
۳. «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ».
۴. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ».

بنابراین، مراتب دینداری با استفاده از آیات و روایات،^۱ انکارشدنی نیست. مراتب دینداری را از دو منظر می‌توان توضیح داد. مبتنی بر بخشی از آیات و روایات^۲ هر کس به میزان عامل بودن به آیات قرآن و تشبه به آنها دیندار است و لذا چون «انَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بطنًا وَ لَبطنه بطنًا الی سبعین بطنًا»، مراتب دینداری بی‌نهایت است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱: ۷۷-۱۷۹) بر این مبنا و با نگاهی کلان، دینداری دارای مراتب بی‌نهایت (به درجات آیات قرآن) است. اما با نگاهی تقلیل‌گرایانه، دینداری دارای هفت مرتبه قابل سنجش زیر است که با استفاده از شیوه‌های معمول جامعه‌شناسی (اعم از کیفی و کمی) سنجیده می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۹۷):

۱. دینداری ظاهری؛ ۲. دینداری بی‌ثبات؛ ۳. دینداری تفصیلی؛ ۴. دینداری بی‌تردید؛ ۵. دینداری در تضاد؛ ۶. دینداری خالصانه؛ ۷. دینداری الگوشده (الگوی عینی و تجربی دین). مراتب دینداری از ضعیف‌ترین تا عالی‌ترین مرتبه تنظیم شده‌اند که اولین مرتبه ضعیف‌ترین و هفتمین مرتبه، عالی‌ترین مرتبه دینداری است. در اولین مراتب دینداری، ایمان با نوعی از «شُرک» (به معنای ناخالصی) همراه است. لذا احتمال گناه و انحراف دینداران از آخرین به اولین مرتبه دینداری، افزایش می‌یابد. همین‌طور نفاق و رفتارهای منافقانه از آخرین به اولین مرتبه دینداری افزایش می‌یابد. تعداد متدینان نیز از اولین تا آخرین مرتبه دینداری کاهش می‌یابد. لذا بیشترین جمعیت متدینان در دو مرتبه نخست و کمترین جمعیت در آخرین مرتبه دینداری قرار دارند. دین از اولین مرتبه به تدریج درونی و نهادینه می‌شود و در آخرین مرتبه، دین و دیندار بر همه منطبق می‌شود. بر این اساس، از سومین مرتبه دینداری به بعد الگوهای اجتماعی دین، به تدریج در جامعه ظاهر می‌شود و ثبات می‌یابد (همان).

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایمان ده درجه دارد همچون نردبان که پله پله از آن بالا می‌روند» (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۹: ۱۶۵).

۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا بَنِي ... عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالْعَمَلِ بِمَا فِيهِ وَ لُزُومِ فَرَائِضِهِ وَ شِرَائِعِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ وَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ وَ التَّهَجُّدِ بِهِ وَ تَلَاوُتِهِ فِي لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى خَلْقِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يُنْظَرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَ لَوْ خَمْسِينَ آيَةً وَ اعْلَمْ أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِئِ الْقُرْآنِ أَقْرَأَ وَ ارْقَ فَلَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ أَرْفَعُ دَرَجَةً مِنْ» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۶۲۸).

تاب‌آوری مراتب دینداری در برابر انحرافات اجتماعی

مبتنی بر آیه ۱۴ سوره حجرات^۱ ابتدایی‌ترین و اولین مرتبه دینداری، با اظهار «شهادتین» تحقق می‌یابد؛ به گونه‌ای که هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام (ص) اقرار کند، مسلمان است و از حقوق مساوی با دیگران در جامعه دینی برخوردار می‌شود و کسی حق تعرض به او را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۵۶-۴۵۸). به دلیل مصلحتی‌بودن و ظاهری‌بودن دینداری در این مرتبه، دین در فرآیند جامعه‌پذیری، درونی نشده و رفتارهای فرد تحت کنترل دین قرار نگرفته‌اند. لذا کسانی که در این مرتبه از دینداری قرار می‌گیرند در معرض بروز هر گونه کجی و انحراف‌اند، و دینداریشان نه‌تنها مصونیت‌بخش نیست، که با احتمال افزایش نفاق که در این مرتبه وجود دارد، بروز انحراف و کج‌رفتاری افزایش نیز می‌یابد (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

کنش‌های اجتماعی دینداران در این مرتبه، مبتنی بر منافع آنها صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر منافعشان اقتضای دینداری را داشت دیندارند و اگر اقتضای بی‌دینی را داشت، دین در نزدشان جایگاهی ندارد. بر این مبنای این افراد دارای شخصیتی دوگانه‌اند که ظاهر و باطنشان در تضاد با همدیگر قرار دارد. در واقع، در این مرتبه از دینداری، اکثریت منافقانی هستند که شخصیت آنها از تعادل برخوردار نیست و گاه خود را سرآمد همه می‌پندارند (همان). گرچه ظاهری آراسته دارند اما در درون ترسو و متزلزل‌اند و هویتی دوگانه دارند. منافق اهل فساد و انحراف است ولی به دلیل همین دوگانگی هویت، خویش را اهل صلاح جلوه می‌دهد. منافق قدرت درک مفاهیم دین را ندارد و دائماً در آمد و شد بین ایمان و کفر است؛ او دین و ارزش‌های دینی را ابزار وصول خویش به هدف می‌پندارد، لذا نه با مؤمنان همراه است و نه با کفار. منافع او همراهی کردن یا نکردنش را تعیین می‌کند. پیامد منفی این مرتبه از دینداری چنانچه ادامه و گسترش یابد، تضاد اجتماعی و فرهنگی، کاهش دینداری، اشاعه فساد و انحراف، از میان رفتن سرمایه اجتماعی و ... است. اما از سوی دیگر، حفظ ظواهر دین در این مرتبه فقط منفی نیست و دینداری ساختاری را در پی دارد و امنیت اجتماعی و فرهنگی را در کوتاه‌مدت حفظ می‌کند.

۱. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءِأَمَّا قُلِّ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تَطِبَعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلْتَكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ».

انحراف و گناه کاسته می‌شود. ولی همچنان ضعف و قوت آن، میزان جرایم و نفاق را کم و زیاد می‌کند. در این مرتبه هنوز شک و تردید در دین، دامن دیندار را رها نکرده، لذا آمد و شد بین ایمان و کفر و گناه و ثواب وجود دارد (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۸۰).

آیه ۱۵ سوره حجرات^۱ مرحله‌ای از دینداری را ذکر می‌کند که با استواری ایمان در قلب، مؤمن از بذل مال و جان خویش در راه خدا مضایقه نمی‌کند و شک و تردید در دین جای خود را به یقین می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۲۱۳). همین معنا از آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف^۲ استفاده می‌شود. به دلیل حصول یقین و از میان رفتن شک و تردید، احتمال بروز گناه و انحراف به شدت کاهش می‌یابد، و فشار اجتماعی تأثیر چندانی در افزایش یا کاهش انحرافات ندارد. به عبارت روشن‌تر، با تقویت ایمان از طریق یقین، رفتارهای منافقانه نیز کاهش می‌یابد و صداقت جایگزین آن می‌شود. در این مرتبه، جرایم به طور واقعی به صفر نزدیک می‌شود و دینداری مصونیت‌بخش می‌گردد. در مراتب بالاتر، از لحاظ تقویت ایمان احتمال ارتکاب جرم نیز از میان می‌رود و مصونیت‌بخشی آن همه جوانب و شئون زندگی (شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ...) را در بر می‌گیرد (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۰-۱۸۲).

در آخرین مرتبه دینداری بر اساس آیه ۶۲ سوره یونس «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» مؤمن دیگر در هیچ موضوع دنیایی و آخرتی ترس، اضطراب و وحشتی ندارد، کاملاً تسلیم و راضی به خواست و اراده خدا است و بر آن اطمینان کامل دارد. لذا در این مرتبه دین و دیندار بر هم منطبق‌اند و الگوهای اجتماعی دین، که از سومین مرتبه آغاز شده و در مراتب بعدی ادامه یافته بود، به صورت عینی و تجربی شکل می‌گیرد و ظاهر می‌شود. دیندار در این مرتبه، همان الگو و معیار دین است که همه احساسات، عواطف، اعمال، افکار و ... او، منطبق بر دین است. لذا کسانی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند می‌توانند او را به عنوان معیار دین مد نظر قرار دهند و احساسات، عواطف، اعمال و رفتارشان را منطبق بر دین بدانند و بر اساس آن عمل کنند (همان: ۱۹۳).

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)».

با استفاده از آیه ۴۵ سوره عنکبوت «إِنَّ الصَّلَاةَ تَهَيِّئُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»، فرآیند کاهش جرایم را از طریق ارتقای مرتبه دینداری توضیح روشن‌تری می‌دهیم. در حالی که در این آیه صراحتاً نماز عامل کاهش جرایم دانسته شده، نمازگزارانی را در جامعه می‌شناسیم که با وجود اقامه نماز، گناهان و معاصی بسیاری مرتکب می‌شوند. دوگانگی مزبور، بر اساس مراتب دینداری، به مرتبه دینداری آنها ارجاع می‌گردد. گرچه اقامه نماز از شاخص‌های دومین مرتبه دینداری است (آخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۷)، اما علی‌رغم آنچه در آیه مزبور مطرح شده، هم‌زمان احتمال بروز گناه و انحراف نیز از نشانه‌ها و شاخص‌های دیگر این مرتبه از دینداری است. لذا کسانی که در همین مرتبه دینداری باقی بمانند و به مراتب بالاتر صعود نکنند، احتمالاً هم‌زمان با خواندن نماز، دست به هر انحراف و کج‌رفتاری نیز خواهند زد. به عبارت دیگر، نماز خواندن صرف، آنها را از «الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» باز نمی‌دارد و باید نماز خواندن با چیز دیگری همراه شود تا مصونیت‌بخش باشد.

بررسی شاخص‌های دینداری نشان می‌دهد به تدریج که مرتبه دینداری ارتقا پیدا می‌کند، عامل دیگری به اقامه نماز افزوده می‌شود که آثار مصونیت‌بخشی نماز را آشکار می‌کند. این عامل که «خشوع»^۱ نام دارد از طریق درونی‌شدن دین و به تدریج حاصل می‌شود. در ششمین مرتبه دینداری، «خشوع» به اوج می‌رسد و چتر آن در همه نمازها بدون قید و شرط (سختی و آسانی، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی، دارایی و نداری، سرما و گرما، جنگ و صلح، فرماندهی و فرمان‌برداری، ریاست و مرئوسیت، در جمع و تنهایی، در شب و روز)، گسترده می‌شود. در این مرتبه، که یکی از شاخص‌های اصلی آن «همراهی خشوع با همه نمازها است»، احتمال انحراف و گناه به صفر نزدیک می‌شود. بنابراین، چون با همراهی خشوع، نماز «تَهَيِّئُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» می‌شود، نتیجه می‌گیریم آنچه باعث مصونیت نمازگزار از انحراف و کجی می‌شود «خشوع» در نماز و نه صرف خواندن آن است. «خشوع» در هر نمازی چنین اثری ایجاد می‌کند، حتی اگر برای

۱. «خشوع» حالتی درونی است که در قلب مؤمن، ایجاد می‌شود و توجه را فقط معطوف به خدا می‌دارد و از جاهای دیگر قطع می‌کند و تأثیر آن نیز مستقیماً در اعضا و جوارح ظاهر می‌شود. بر این اساس، مؤمن خاشع کسی است که ایمانی زنده و فعال داشته باشد و متوجه مقام ربوبی باشد، به گونه‌ای که مستغرق در ذلت و خواری شود و دلش را از هر چیزی که او را از قصد و هدفش باز می‌دارد، منصرف کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۳۰).

لحظه‌ای به وجود بیاید. در مراتب نخست دینداری وضعیت به گونه‌ای است که لحظه‌های همراهی نماز با خشوع، با لحظه‌های بدون همراهی آن، خنثا می‌شود. در حالی که در مراتب بالای دینداری، همراهی نماز با خشوع استمرار می‌یابد و با گسترش چتر خشوع به همه نمازها بدون شرط، آثار آن نیز دوام می‌یابد و در فرد مصونیت ایجاد می‌کند.

نتیجه

نتایج نشان داد احتمال بروز گناه، انحراف و کجی دینداران، به مرتبه دینداری آنها وابسته است. هر چه از سه مرتبه نخست دینداری، به طرف مرتبه هفتم حرکت کنیم، دین بیشتر درونی می‌شود و دینداری مصونیت‌بخش‌تر می‌گردد. افرادی که در مراتب پایین‌تر دینداری قرار گرفته‌اند، بیشتر در معرض انحراف و کج‌رفتاری هستند؛ در حالی که با ارتقای مرتبه دینداری، احتمال بروز انحراف کاهش می‌یابد. در اولین و دومین مرتبه دینداری، احتمال بروز نفاق افزایش می‌یابد و مستقیماً با میزان فشار اجتماعی در جامعه دینی مرتبط می‌شود. گرچه تشدید فشار و کنترل اجتماعی، کاهش موقتی جرایم (به‌ویژه انحرافات آشکار) را در دو مرتبه مزبور در پی دارد، اما از طریق افزایش نفاق، جنبه‌های پنهانی انحرافات افزایش می‌یابد. اگر می‌بینیم که دینداری، اکثر دینداران را از انحراف و کجی باز نمی‌دارد، باید اقرار کنیم که احتمالاً اکثر مردم در دو مرتبه نخست دینداری قرار گرفته‌اند. لذا تا زمانی که ارتقای مرتبه دینداری اتفاق نیفتد تغییری در وضعیت مزبور حاصل نمی‌شود. در این وضعیت، به منظور کاهش انحرافات و کج‌رفتاری‌های اجتماعی، به جای تشدید کنترل‌های اجتماعی، ارتقای مرتبه دینداری بهترین گزینه است. اتخاذ چنین راهبردی ضمن کاهش جرایم، مصونیتی درونی ایجاد می‌کند که به تناسب استحکام و استواری آن، در وضعیت‌های مختلف، مقاومت در برابر انحرافات و کجی‌ها را افزایش می‌دهد.

در واقع، با ارتقای مرتبه دینداری، نظارت اجتماعی، درونی می‌شود و افراد دائماً تحت کنترل پلیس درون خویش قرار می‌گیرند. با ارتقای هر مرتبه از مراتب دینداری، مصونیت فرد در برابر انحرافات افزایش می‌یابد و در آخرین مرتبه احتمال گناه و حتی اشتباه، به طور واقعی به صفر می‌رسد. از آنجایی که لزوماً ارتقای مرتبه که از طریق جامعه‌پذیری دینی صورت گرفته، فرآیندی ارادی است، باید خود دینداران اقدام به ارتقای مرتبه دینداری خویش کنند. درونی‌شدن دین،

دینداری را از ضعیف‌ترین تا عالی‌ترین مرتبه رتبه‌بندی می‌کند. لذا احتمال بروز انحراف و کج‌رفتاری در هر مرتبه با مراتب دیگر متفاوت است و خاص همان مرتبه؛ به گونه‌ای که در سایر مراتب احتمال بروز ندارد. بنابراین، احتمال بروز انحراف و کج‌رفتاری از اولین تا آخرین مرتبه دینداری، با درونی‌شدن دین، کاهش می‌یابد و به تدریج به صفر می‌رسد. از آنجایی که نفاق و رفتارهای منافقانه نیز نشانه درونی‌نشدن دین است، در اولین مراتب دینداری ظهور بیشتر دارد و به تدریج هرچه به مراتب آخر نزدیک شویم، ظهور آن کمتر می‌شود. در فرآیند ارتقای مرتبه دینداری، در هر مرتبه، نشانه‌های خاصی برای دیندار ظاهر می‌شود که آن مرتبه را از سایر مراتب متمایز می‌کند و نشان‌دهنده از بین رفتن زمینه‌های انحراف و کج‌رفتاری مربوط به آن مرتبه از دینداری است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی امیرالمؤمنین.
- آخوندی، محمدباقر؛ معیذفر، سعید (۱۳۹۲)، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر نفوذ اجتماعی دین؛ در آموزه‌های قرآن»، در: *آموزه‌های قرآن*، ش ۱۷، ص ۷۱-۹۴.
- آخوندی، محمدباقر (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی الگوی سنجش مراتب دینداری ایرانیان مسلمان، استاد راهنما: سعید مفیدتر، اساتید مشاور: حمید پارسانیا، غلامرضا جمشیدی، رساله دکتری جامعه‌شناسی مسائل ایران، مرکز تحصیلات دانشگاه پیام نور.
- _____ (۱۳۸۲)، *حاشیه‌نشینی در شهر مشهد و چشم‌انداز آینده*، مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر شعبه خراسان (تحقیق منتشرنشده).
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۳)، *آسیب‌های اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات آگه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱)، *انسان و قرآن*، قم: قیام.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *الخصال الممدوحه و المذمومه، بی‌جا: بی‌نا*.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۷۷)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، نجف اشرف: نشر المكتبة الحیدریة.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر، الطبعة الثانية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، اصول کافی، ترجمه: کمره‌ای، قم: اسوه.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۱)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: انتشارات اسلامیة، ج ۲۳.
- محسنی تبریزی، علی رضا (۱۳۸۳)، وندالیسیم، بی جا: انتشارات آن.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- نراقی، ملامهدی (۱۳۱۲)، جامع السعادات، چاپ سنگی، تهران.
- <http://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.html>
- http://www.sse.rue.dk/institutional/research-paper-____-03.pdf